

خیال‌پردازی بررسی نقوش تصویری قدیمی خوزستان

سید نظام‌الدین امامی‌فر

مقدمه

تغییر حکومتها و بی‌علاقگی ناشی از نامرادیهای زمانه روند حرکت و آفرینشهای هنری را همواره به تزلزل دچار کرده است و این امر باعث شده که در بعضی از زمانها، استادان فن، کم‌وبیش به شکلی گمنام بدرود حیات گفته‌اند و میراث بی‌همتای تجربیات خویش را در دل خاک مدفون کرده‌اند استادانی که نظایر آنان امروز کمتر یا به عرصه وجود می‌نهند.

در همه دوره‌ها، ذوق هنردوستان و پیشینیان هنرمند بوده است که بین هنر و هنرمندان رابطه ایجاد کرده و از طریق این ذوق پایدار بوده که هنر پابرجا مانده است. قطع این رابطه، هنر را متوقف می‌کند و شروع دوباره آن کاری بس پیچیده و دشوار است. بنابراین، حفظ هنر و پاسداری از آثار به‌جای مانده، ابزار، مواد، معرفی نوع کار و استادان فن مرا بر آن داشت که با جمع‌آوری این مجموعه مختصر تلاشی بکنم به این امید که جای پای دیگر همکارانم باشد. در این مجموعه مستندگونه، نخست تاریخچه‌ای مختصر از موقعیت تاریخی و جغرافیایی خوزستان و شهر دزفول را ذکر کرده‌ام سپس به معرفی آثار و اماکن و تحلیل موضوعی و کاربردی نقاشیهای قدیمی پرداخته‌ام و آنگاه به شناخت ابزار و معرفی استادان فن، که در عین گمنامی نقاش تصاویر بی‌شماری بوده‌اند و در نهایت، به نتیجه‌گیری پرداخته‌ام.

نبود تاریخ دقیق از اماکن و آثار ما را بر آن داشت که حرکت‌مان را براساس موقعیت جغرافیایی شهر شروع کنیم. مساجد، تکایا و خانه‌های داخل شهر، اولین هدف و قدمگاه‌های واقع در دهات اطراف هدف دوم محسوب می‌شد. این اماکن و آثار گاه و بی‌گاه بر اثر بی‌توجهی اهالی و مسئولان (تعمیرات بی‌جا) یا تخریب‌های زمانه از میان رفته یا در حال نابودی است که تهیه سند از چنین آثاری کاری بس ضروری به نظر می‌رسد.

موقعیت جغرافیایی و تاریخی خوزستان

سرزمینی که امروزه آن را «خوزستان» می‌نامیم در ادوار مختلف به اسامی گوناگونی نامیده شده است، خوزستان در روزگاران پیشین جزئی از سرزمین وسیع و دولت مستقل ایلام بوده که سوابق آن به موجب حفاریاتی که در نواحی مختلف آن به عمل آمده است و برحسب تحقیقات مادام دیولافوا فونوتیک (فرانسوی) و دمرگان، به هشت هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد. این دولت مستقل تمام خوزستان امروزی، قسمتی از کهکیلویه، قسمت اعظم خاک بختیاری و سراسر منطقه لرستان (اعم از پیشکوه و پشت‌کوه) را تا حوالی باختران شامل می‌شد و حدود آن از مشرق، مملکت پارس؛ از شمال، دولت ماد؛ از مغرب رود دجله و شط‌العرب (اروند رود) یا به عبارت دیگر، برحسب ازمنه مختلف، دولتهای آشور، کلده، سومر، اکد و از جنوب به خلیج فارس محدود بوده است.

استان خوزستان فعلی از جانب شمال به استان لرستان، از غرب به کشور عراق و استان ایلام، از جنوب به خلیج فارس و از جانب شرق به استانهای چهارمحال و بختیاری و کهکیلویه و بویراحمد محدود می‌شود.



موقعیت شهر دزفول از لحاظ جغرافیایی و اقلیمی

شهرستان «دزفول» یکی از شهرهای استان خوزستان است که از سمت شمال به شهر خرم‌آباد، از مشرق به شوشتر و مسجدسلیمان، از مغرب به دهلران و دشت آزادگان و از جنوب به شهر اهواز محدود می‌شود.

رودخانه مهم این شهرستان، رودخانه «دز» است که از میان این شهر می‌گذرد. دزفول آب و هوایی صحرايي و نسبتاً خشک با تابستانهای بسیار گرم و زمستانهای معتدل دارد.

سوابق تاریخی دزفول

«دزپل»، «دژپل» و در اصطلاح محلی آن را «دزفیل» و «دسفیل» گویند. معرب آن «دز» است و به منظور برقراری ارتباط بین پایتخت جدید یعنی جندی شاپور (گندی شاپور) و شوشتر ساخته شد. دزفول تا اوایل قرن سیزدهم در کتابها به نام «اندامیش» و «اندامشک» خوانده می‌شد که احتمال دارد نام دزفول یا دژپل از نام قلعه یا دژی که مشرف به پل دزفول بوده است، مشتق شده باشد.

دزفول مانند شوشتر مدتها تحت الشعاع جندی شاپور بود و پس از ویران شدن جندی شاپور دزفول رونق بیشتری یافت، آنگاه به سبب بی‌توجهی به تعمیر شبکه عالی آبیاری عهد ساسانی، به شهر و اطرافش آسیب بسیار رسید.

دزفول از هجوم مغول محفوظ ماند ولی بعدها تحت فرمان ایلخانان درآمد و در برابر امیر تیمور مقاومتی نشان نداد؛ نادرشاه چندبار به دزفول آمد و برای حفظ این شهر در برابر لران، قلعه «دزشاه» را در چند کیلومتری شمال شرقی شهر بنا نهاد. در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی، صنعت رنگ‌سازی (رنگ نیل یا همان لاجورد) تا قبل از رواج رنگهای خارجی رونق بسیار داشت. از جمله کالاهای تجاری عمده قلم نی بود که تا قسطنطنیه و هند صادر می‌شد، از دیگر هنرهای تزئینی و کاربردی به صنعت طلاسازی، رویگری (ورشوسازی)، معماری (آجرکاری)، فرش، گلیم، پارچه، چوقابافی، حصیر، نمد و دیگر هنرهایی که به نحوی از چوب در مصالح آن استفاده

می‌شود و نیز هنرهای تصویری مانند تصویرگری کتاب و تزئین قلمدان، جای سیگارت، ورق بازی و نقاشی روی دیوار (نقاشی دیواری)، بوم، فلز شیشه و آئینه می‌توان اشاره کرد.

اسناد و اماکن

تحلیلی بر نقاشیهای قدیمی دزفول و حومه با توجه به مکتب نقاشی شمایل‌سازی در این دوره

شمایل‌نگاری درباری (۱۲۷۰-۱۷۰ق) یا مکتب قاجار^۱ که در نقاشیهای با عنوان صورت‌سازی از شاهان و شاهزادگان، داستانهای ایرانی و مذهبی مورداستفاده قرار می‌گرفت چون بعدها در چایخانه‌ها و اماکن مذهبی نقل شد (پرده‌های بزرگ تصویرسازی شده) به نقاشی «قهوه‌خانه‌ای» هم شهرت یافت.

مکتب شمایل‌نگاری، انسان را عنصر برتر می‌داند و او را با دید تزئینی تصویر می‌کند، در این مکتب، انسان بدون روان‌شناسی مطرح می‌شود (انسان عروسکی) و به‌عنوان فرد اروپایی و ایرانی به او نمی‌نگرد. در این مکتب، انسان یک بُعد دارد و آن هم عنصر تزئین است بدون روانکاوی.

تحلیلی بر نقاشیهای دزفول و حومه

در این منطقه، نقاشی به دو منظور رسم می‌شده است: اول، حفظ سنتها و شعائر دینی و دوم، تزئین. عشق و علاقه به خاندان نبوت در این دیار، نقاش را بر آن می‌داشت که بیشتر تصویرگر این خاندان باشد؛ از این رو، هنر خوزستان در جشنها و عزاداریها و مراسم مذهبی نمود ویژه‌ای به خود می‌گیرد که بر این اساس عنصر تزئین (جنبه دوم) زینت‌گری است بر این احوال.

به دلیل ارتباط و هم‌زمانی هنرمند نقاش با سایر نقاط (مثل اصفهان، شیراز...) در شیوه و ارائه

کار خصوصیات مشترکی پدید آمده است که به ذکر آن می‌پردازیم:

الف- موضوع و محتوا

- نقاشیها با سفارش بانیان خیر (اشخاص نیکوکار) اجرا شده‌اند.
- نقاشیها توصیف‌کننده رویدادها و زندگی ائمه و اهل بیت (ع) هستند.

۱. ابعاد آثار

- بر فضای داخلی دیوارها یا رفکهای (طاقچه‌های از پیش تعیین شده برای نقاشی) اماکن مقدس قدمگاه و پیرها.

- نقاشی بر بومهای جاسازی شده در شیدونه^۲ها رسم می‌شده است (شیدونه یا شهیدانه به حجله‌های منبت‌کاری شده گویند که در ایام ماه محرم نصب می‌شوند و مردم به آن احترام می‌گذارند. اسامی شیدونه‌ها برطبق نامهای اهل بیت پیغمبر، مثل شیدونه قاسمیه = شیدونه حضرت قاسم، شیدونه علی‌اکبر، شیدونه امام رضا و ... هستند) اندازه این نقاشیها به ۱ تا ۱/۵ متر می‌رسد که بعد از اجرای آن روی پللیت^۳ چوب و پارچه بر چهارچوب مخصوص نصب می‌شد و درون جایگاهش (در یک یا دو وجه شیدونه) قرار می‌گرفت.

- نقاشی بر سطوح دیگر مثل شیشه، قلمدان، جای سیگارت، خط عیدی^۴ یا قلعدی.

- بر فضای داخلی دیوارهای منازل و اتاقهای شخص (نقوش گل و بلبل، دهن اژدها و ...).

۲. کمال مطلوب زیبایی (کمال بخش)^۵

- سفارش دهنده و نقاش به موضوعات مذهبی علاقه نشان می‌دهند.

- جلا دادن تابلو برای زیبایی بیشتر آن است.

- نقاش برای زیبایی به میل خود از نقشمایه‌های تزئینی استفاده می‌کند مثل ترسیم جواهرات بر تاج، زین، شمشیر و ...

- چهره‌ها غالباً سه رخ با محاسنی پرپشت و ابروانی کمانی و پیوسته هستند، در اغلب تصاویر سربندی دور گردن را می‌پوشاند (قسمتی از سربند به دورگردن پیچانده می‌شود) بسته به مقام، هاله دور سر کوچک یا بزرگ می‌شود، زنان با پوششی سیاه و پوشیه سفید تصویر شده‌اند.



- هیچ کوششی برای نشان دادن حالات روانی در چهره‌ها وجود ندارد و دستها و پاها مقداری از حرکت را القا می‌کنند (حالات روانی فقط در حیواناتی نظیر اسب و شیر و ... به چشم می‌خورد که با وحشت به بیننده می‌نگرند).

- اسامی و نوشته‌ها، (اشعار مذهبی) بازگوکننده رویدادها و حوادث و معرف اشخاص هستند.

۳- تنوع موضوعات

- موضوعات دنیوی (حادثه کربلا، تصویرسازی ائمه (ع)، گل و بلبل و ...)

- موضوعات غیردنیوی (بهشت، جهنم، تذهیب و ...).

ب- قالب (ساختار زیبایی‌شناختی)

۱- رعایت نکردن اسلوبها به طرز علمی و کامل

- جهت و منبع نور مشخص نیست و گاهی هم متناقض است؛

- اصول برجسته‌نمایی در لباسها کم و در صورت و دستها کمتر دیده می‌شود و در بعضی از موارد از رنگهای تخت استفاده شده است.

- چهره‌ها غالباً سه رخ و در موارد استثنایی تمام یا نیم‌رخ هستند.

- رانها، زانوها و مچهای پا از دامن به پایین کشیده شده و در مواردی پاها در زیر دامن مخفی شده‌اند.

- عمق‌نمایی^۶ خطی و رنگی وجود ندارد.

- کوششی برای نمایش جنسیت به عمل نیامده است.

- تضاد در تباین تاریکی و روشنی رنگها بسیار زیاد است.

- در اغلب نقاشیها از خطوط سیاه و کناره‌نما^۷ (خطوط کتور، خطوط محیطی) استفاده شده است.

- نقاشیها از اصول آناتومی^۸ پیروی نمی‌کنند.

۲. ساختار و ترکیب‌بندی^۹

به‌علت تقارن و نوع ساختار، شمایل اصلی در وسط تابلو قرار می‌گیرد و بقیه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. عنصر اصلی تابلو بزرگ‌تر از همه و به‌ترتیب مقام، نسبت به اصل در اندازه کوچک‌تر ترسیم می‌شود. عناصر منحنی عبارت است از: زین، هاله دور سر، محرابها، شمشیرها، گردن، اسبها، خطوط دامن. عناصر افقی عبارت است از: خط زمین، تخت، خط دیوار و ... و انسانها، نیزه‌ها، و ... عناصر عمودی را تشکیل می‌دهند.

۳. تزئین و زینت‌کاری

- عناصر تصویری بر تزئین تسلط دارد.

۴. رنگ و رنگ‌آمیزی

خلوص و غنای رنگی بسیار زیاد است، مسلط‌ترین رنگها به‌ترتیب عبارت‌اند از: آبی، فیروزه‌ای، قهوه‌ای سوخته، قرمز، سبز، سفید، زرد آکر (نخودی)، نارنجی، سیاه و ...

- در بعضی از موارد از جواهر نشانیدن استفاده شده است (نقطه‌های برجسته سفید، سبز و قرمز رنگی که بر زمینه‌های قهوه‌ای سوخته و سیاه و زرد نخودی رسم می‌شده است).

- تکنیک برجسته‌نمایی^{۱۰} با اندکی سایه‌پردازی از یک یا دو سو اجرا می‌شده است.

۵. تناسبات^{۱۱}

- نسبت به سر بدن از ۱/۵ شروع و تا ۱/۷ ختم می‌شود.

ابزار و وسایل کار در نقاشی

همان‌طوری که در بخش پیش اشاره کردیم هنرمندان خود وسایل موردنیاز کار را تهیه می‌کرده‌اند.

این وسایل عبارت است از: قلم موها^{۱۲}، رنگها، چسبها، (ورنیه‌ها و حلالها) و سطوح کار ...

الف - قلم‌موها

قلم‌موهای کوچک، قلم‌موهای بزرگ

ب- رنگها

پودرهای رنگی معدنی، گیاهی، پودرهای آماده شده صنعتی.

ج- چسبها^{۱۳} (ورنیهها و حلالها)

سندلوس، کتیرا (کتیره) دامر، لاک الکل، سریش کمانی (سریشم گرم)، سریش (پودر سریش)، نفت، سقز (نوعی آدامس)، غزه (نوعی آدامس از شیر درخت).

د- سطوح کار

- نقاشیهای دیواری^{۱۴} (سطوح بزرگ)؛

- نقاشی در اماکن متبرکه قدمگاه (پیرها)؛

- نقاشیهای روی بوم (سطح کوچک)؛

نقاشی روی سطوح کوچک مثل فلز، پارچه، چوب، کاغذ، آینه، صندوقچه، جلد کتاب، قلمدان، ورقبازی و ...

ابزار و مواد رنگی

الف- قلم‌موها

- قلم‌موی کوچک (از موی گربه)

بعد از جدا کردن شاه پر کبوتر، آنها را در آب می‌خیساندند و موها را از ساقه اصلی جدا می‌کردند محور اصلی را به قطعات مناسب (۳ سانتی‌متر) تقسیم و موهای انتهایی دم گربه را بعد از جداسازی و پیچاندن در نخ از لوله خالی شاه پر کبوتر عبور می‌دادند و بعد از جای‌گیری موها، چوب تراشیده شده (به‌عنوان دسته قلم‌مو) و آغشته به چسب را در فضای خالی شاه پر و پشت موها، فرومی‌کردند. از این قلم‌مو برای پرداخت نقاشی (سطوح و خطوط ظریف) استفاده می‌شده است.



- قلم‌موهای بزرگ (از موی گاو و گاو میش)

قسمتی از موهای دم گاو یا گاو میش را انتخاب می‌کردند بعد از جدا و نخ پیچ کردن، آنها را با نوار کاغذی می‌بستند. انتهای موهای دسته‌شده را چسب می‌زدند و با ورقه نازک فلزی محصور می‌کردند (به صورت لوله فلزی). بعد از ساخت دسته چوبی به عنوان دسته قلم‌مو، آن را در پشت موها و داخل ورقه لوله شده فلزی فرومی‌بردند و بعد از خشک شدن با ضربه، شکل قلم‌مو را به تخت یا گرد تغییر حالت می‌دادند.

ب- رنگها

- رنگهای پودری معدنی (لاجورد، نیل، اخرا، عمرا، اکر، طلا، نقره و ...).
- رنگهای پودری گیاهی (روناس، حنا، پوست گردو، مورت و ...).
- رنگهای پودری صنعتی (پودرهای رنگی آماده از ترکیبات آلی، معدنی و ...).

ج- چسبها (ورنیهها و حلالها)

سندروس^{۱۵}

قطعاتی از این ماده را بعد از حل کردن با گرما (جوش دادن درون ظرف) با روغن بزرک گرم شده^{۱۶} ترکیب می‌کردند و بعد از سرد شدن با نفت رقیق می‌کردند، و برای جلا و محافظت در مقابل فرسایش، رطوبت و گرما بر روی اثر هنری می‌کشیدند. لازم به ذکر است که این ماده بر روی نقاشیهایی که روی فلز رسم می‌شد بسیار موثر و بادوام بوده است.

- کتیرا (کتیره)

- نوعی صمغ درختی (به صورت قطعات کوچک ماده) که بعد از خیساندن در آب با پودر رنگی مخلوط می‌کردند و از صافی می‌گذراندند و برای رنگ‌آمیزی در نقاشی دیواری و روی پارچه از آن استفاده می‌کردند.

ستفزی: ۱۷

صمغ نوعی درخت است که بعد از جوش دادن با روغن بزرک مخلوط می‌شد و به‌عنوان حلال پودرهای رنگی در نقاشی به‌کار می‌رفت و بر سطوح فلزی و چوبی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

- دامر (دامار) ۱۸

نوعی چسب و جلا که برای محافظت سطوح بیرونی آثار هنری به‌کار می‌رفته است.

- لاک الکل ۱۹

به همان سندروس مخلوط شده با الکل گویند که برای جلا دادن ۲۰ و محافظت کردن سطوحی چوبی و کاغذی (قلم‌دان، جای سیگارت، ورق بازی و ...) به‌کار می‌رفته است.

- غزه و نفت

غزه نوعی شیره درخت است که به‌صورت منعطف و پلاستیکی به رنگ زرد کم‌رنگ (نخودی) حاصل می‌شود، بعد از حرارت دادن نفت بر روی یک پاتیل محصور می‌شد، آن را درون پاتیل می‌ریختند و هم می‌زدند تا مایع چسبناکی حاصل آید. این ماده بعد از سرد شدن با قلم‌مو بر روی سطح کار کشیده می‌شد.

- سریش کمانی (سریشم گرم) ۲۱

نوعی چسب حیوانی به‌صورت قطعات ورقه‌ای با رنگ قهوه‌ای تیره که بعد از حرارت دادن روی آب برای چسبندگی دانه‌های رنگی در نقاشی دیواری و پارچه و همچنین صحافی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

- سریش

پودر چسبنده‌ای است که از ریشه نوعی درخت حاصل می‌شود و بعد از ترکیب با آب و پودر رنگی به‌عنوان چسب رنگ و برای چسباندن سطوح بر روی هم مورد استفاده قرار می‌گرفت.



د- سطوح کار

دیوار گچی

برای نقاشی با رنگ روغن، ابتدا دیوار گچی را با کتیرا یا سریش آستر می‌کردند و بر روی آن به نقاشی می‌پرداخته‌اند.

برای نقاشی با رنگهای پودری ابتدا کتیرا و شیرۀ خرما (به مقدار کم) را با پودر رنگی مخلوط و مستقیماً بر روی دیوار نقاشی می‌کردند.

- پلیت (ورقه نازک فلزی)

بعد از نصب ورقه فلزی روی چوب (پشت‌بند) با رنگهای روغنی به نقاشی می‌پرداختند، بعد از خشک شدن لایه رنگی، لایه نازکی از سندروس بر آن می‌کشیدند.

- پارچه

با استفاده از رنگهای آبی (ترکیب پودر رنگی با آب و چسب) و رنگهای روغنی بر روی بوم یا پارچه نقاشی می‌کردند.

- چوب

بعد از کنار هم چیدن ورقه‌های چوبی و بتونه‌کاری (برای ایجاد سطح صاف) با رنگ روغن به نقاشی می‌پرداختند.

- کاغذ

با رنگهای آبی بر روی ورقه‌های نازک کاغذی (قلعیدی یا خط عیدی، تذهیب و ...) و مقوایی (جلد کتاب، ورق بازی و ...) رسم می‌شد.

- قلمدان و جای سیگارت

نقاشی بر بدنه قلمدان و جای سیگارت انجام می‌گرفت که بعد از اتمام کار برای محافظت و زیبایی سندروس یا لاک الکل بر آن کشیده می‌شد.

- شیشه و آئینه

با استفاده از رنگهای روغنی روی این سطوح رسم می‌شده است.

تصویرگران گمنام

ملا ابراهیم نقاش

وی در خانواده‌ای فقیر چشم به جهان گشود. او از همان کودکی علاقه زیادی به نقاشی و کارهای دستی نشان می‌داد و همین علاقه سبب شد که یکی از دوستانش (شیخ محمدرضا معزی) تقبل مخارج کند و او را برای فراگیری فنون نقاشی راهی اصفهان نماید. ملا ابراهیم بعد از یک سال آموزش به زادگاهش (دزفول) مراجعت کرد و به حرفه نقاشی مشغول شد. وی بعد از چند سال بر اثر شیوع بیماری در دزفول دیده از جهان فروبست. ایشان چهار فرزند به نام‌های ملا اسدالله، ملا حسن، ملا حسین و دختری به نام زری داشتند.

آثار وی در زمینه‌های نقاشی قلمدان، شمایل‌نگاری و دیوارنگاری در خوزستان به یادگار مانده است.

ملا حسن نقاش

فرزند دوم ملا ابراهیم نقاش است که در ۱۲۸۲ش در دزفول متولد شد و در زمینه نقاشی روی جلد قلمدانها، سطوح کوچک و بزرگ (دیوار) همچنین در ساخت ماسک (مورد استفاده در مراسم عروسی و ماکتهایی برای عزاداری) به فعالیت پرداخت. در ۱۳۶۵ش در دزفول بدرود حیات گفت.

ملا اسدالله نقاش

در ۱۲۶۶ش در دزفول چشم به جهان گشود و تحت تعالیم پدرش (ملا ابراهیم) به حرفه نقاشی مشغول شد. به علت شهرتش در منطقه، شخصی به نام منشی پور (تاجر دزفولی) او را برای نقاشی کتاب شاهنامه (یکی از مهارجه‌های هندی) راهی هندوستان (بمبئی) کرد و بعد از شش ماه به ایران بازگشت. سفر بعدی ایشان دو سال بعد به مدت چهار ماه بود که بعد از اتمام نقاشیها به ایران برگشت. او بعد از ۸۱ سال زندگی پرنج در ۱۳۴۷ش در دزفول چشم از جهان فرو بست. آثار به یادگار مانده وی شامل نقاشی دیواری، نقاشی روی بوم، مصورسازی کتب (شاهنامه، کتاب هزار و یک شب و ...) و نقاشیهای روی قلمدان است که تعدادی از این آثار در خوزستان و تعدادی در خارج از کشور (موزه‌های کشورهای انگلستان و فرانسه) به یادگار مانده است.

ملا مجید نقاش

ملا مجید، فرزند بزرگ ملا اسدالله است که در ۱۲۹۸ش در دزفول متولد شد و زیر نظر پدر بزرگوارش به حرفه نقاشی پرداخت، وی گواهینامه تحصیلی شبانه‌روزی خود را در ۱۳۱۶ش کسب نمود. او به دلیل ضعف بینایی در سالهای آخر زندگانی‌اش دست از نقاشی کشید و در ۱۳۷۰ش چشم از دنیا فرو بست. ایشان شش فرزند دارد که هیچ کدامشان حرفه او را دنبال نکردند. آثار این هنرمند در زمینه نقاشی دیواری و شمایل‌نگاری است.

حبیب نقاش

ایشان فرزند ملا حسن نقاش است که در ۱۳۱۱ش در دزفول ولادت یافت و با الهام از آثار پدر بزرگوارش هم‌اکنون در سنین کهولت به خلق آثار هنری با شیوه‌ای جدید می‌پردازد.

حاصل کلام

نقد و بررسی آثار و میراث گذشتگان با نبود اطلاعات مکتوب کاری بس دشوار و پیچیده است، چرا که استاد با ارائه آثار و تجربیات بی‌کلام خویش بر سینه دیوار جایی برای سخن باقی نمی‌گذارد، اما نقد این آثار و نتیجه‌گیری از آنها خود راهی است برای یافتن حلقه مفقوده و ارتباط با زمان حال.

سؤالی که به ذهن می‌آید این است که چرا و به چه دلیل در این شاخه پر بار هنر، توقف کامل یا ادامه انحراف‌آمیز، اتفاق افتاده است؟ جواب این سؤال را در عقیده کسانی باید جستجو کرد که می‌گویند چرا این آثار را به نمایش و نقد می‌گذارید؟ آیا بهتر نیست که حرکتی جدید و ابتکاری بدیع را با توجه یا بی‌توجه بر آنچه داشته‌ایم، شروع کنیم و آنقدر به گذشته و گذشتگان تکیه نکنیم؟

نقد آثار قدیم هیچ‌گاه به معنی پذیرفتن بی‌چون و چرا و مطلق هنر آن دوره یا نفی کامل آن نیست، بلکه باید بباییم که گذشتگان چگونه رفته‌اند و ما چگونه؟ آیا می‌توانیم از تجربیاتی که حاصل تلاش و همت آنهاست استفاده کنیم و آنها را به کار گیریم یا بدبینانه این‌همه تحول را منکر شویم.

نقوش و تصاویری که ارائه شد نمونه‌ای است اندک از مجموعه‌ای عظیم که از تخریب و فرسایش هوا، زمان و انسان مصون مانده است. زیبایی مسحورکننده این‌گونه نقوش ما را برآن داشت که با بازگو کردن آنها اندکی از دین خود را به این میراث ارزشمند ادا نماییم.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مکتب از دوره زندگی شروع شده است و در دوره قاجاریه به اوج خود رسیده و با برجیده شدن بعضی از مجالس مذهبی و نقالی در اوایل دوره پهلوی به افول گرایید.
۲. شیدونه، شهیدانه (ضریح) transenna.
۳. پلیت (ورق نازک فلزی) plate.
۴. خط عیدی یا قلعدی نقاشیهای دست‌ساز است که استاد یا معلم به نقاش سفارش و برای جایزه به شاگردان هدیه می‌دادند موضوع این قلعدها بیشتر در زمینه روایات و احادیث ائمه بوده است.
۵. کمال بخشی فراتر روی (در عالم هنر به معنی آفرینندگی براساس فراتر روی از معمول و متعارف و کمال بخشی به شکل‌ها و شهودات است، نه تقلید از آنها idealization).
۶. عمق‌نمایی، ژرف‌نمایی، سه‌بعدنمایی perspective.
۷. خط کنارنما، دمگیر، خط کنارنما، خط مرزی contour.
۸. آناتومی، علمی که به وضعیت قرارگیری عضلات و استخوانهای بدن می‌پردازد anatomy.
۹. ترکیب‌بندی، ترکیب هنری composition.
۱۰. برجسته‌نمایی، حجم‌نمایی (در نقاشی) modeling.
۱۱. تناسبات، در هر اثر هنری اندازه و نسبت میان اجزا با همدیگر و میان هر یک از اجزا با کل آن اثر proportion.
۱۲. قلم‌مو (انواع قلم‌مو) hair pencils.
۱۳. چسب، آهار لعاب (که در ساختن رنگ لعابی برای نقاشی دیواری یا گواش به کار می‌رود size چسب glues.
۱۴. نقاشی دیواری، دیوارنگار (نقاشی روی اندود مرطوب دیوار یا سقف) fresco.
۱۵. سندروس، صمغ درختی، نیمه‌شفاف و به رنگ زرد پریده، که در ساختن نوعی روغن جلا به کار می‌رفته است sandarac, sandarach.
۱۶. روغن بزرک که بعد از جوشانیدن غلیظ می‌شده و در نقاشی به کار می‌رفته است Linseed oil.
۱۷. سقز، تربانتین، ماده صمغی نیمه سیال که از پوست درختانی چون کاج و سرو گرفته می‌شود و به‌عنوان حلال خشک‌ساز و رنگ و جلا در نقاشی به کار می‌رود turpentine.
۱۸. دامر، دامار. صمغی که از درختان مخروطی گرفته می‌شود و از محلول آن در الکل یا تربانتین، جلا مرغوبی به‌دست می‌آید dammar, dammer.
۱۹. لاک الکل shellack varnish.
۲۰. جلا دادن glazing.
۲۱. سریش کمانی (سریش گرم) که از حرارت و جوش دادن غضروف حیواناتی نظیر گاو، گوسفند، خرگوش، ماهی ... حاصل می‌آید animal glue.

**منابع**

- افشار سیستانی، ایرج، نگاهی به خوزستان، تهران، نشر بلور، چاپ اول، پاییز ۱۳۶۹.
- امام اهوازی، سید محمدعلی، چیستان‌نامه دزفولی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- امام اهوازی، سید محمدعلی، نکاتی چند درباره خوزستان، بی‌نا، بی‌تا.
- پاکباز، روئین، جزوه تاریخ نقاشی ۳، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۶۴.
- رحیمیه، فرنگیس و مصطفی ربوبی، شناخت شهر و مسکن در ایران (اقلیم گرم و نیمه مرطوب) دزفول- شوشتر، انتشارات دانشگاه تهران.
- مرزبان، پرویز و حبیب معروف، واژه‌نامه مصور هنرهای تجسمی (معماری، بیکره‌سازی، نقاشی)، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۶۵.